حادثه‌ها

۹ کشته در تصادف مینی‌بوس گروه موزیک سنگ‌آهن بافق

گروه حوادث: تصادف مینی‌بوس حامل اعضای گروه موزیک شرکت سنگ‌آهن مرکزی بافق ۹ کشته بر جای گذاشت. مینی‌بوس حامل کارکنان شرکت سنگ‌آهن مرکزی بافق دیروز در جاده کرمان- یزد و در نزدیکی شهر انار با یک دستگاه تریلر خودروکش ازبکستانی به شدت برخورد کرد و ۹ نفر را به کام مرگ کشاند. در این حادثه سایر سرنشینان مینی‌بوس نیز زخمی شدند. اعضای گروه موزیک شرکت سنگ‌آهن مرکزی بافق صبح دیروز برای افتتاح یک معدن راهی شهر بابک کرمان شده بودند و بعد از اتمام مراسم به بافق برمی‌گشتند که این حادثه رخ داد. استاندار یزد در پی وقوع این حادثه در بافق سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

اعدام هشت قاچاقچی مواد مخدر در زندان کرمان

هشت قاچاقچی مواد مخدر در زندان کرمان اعدام شدند. به گزارش ایسنا، «صیاد ن» و «جلال ش» به جرم مشارکت در قاچاق مسلحانه ۱۱۶۵ کیلوگرم تریاک و حمل اسلحه و مهمات، «داریوش الف» به جرم مشارکت در حمل هفت کیلو و ۷۰۰ گرم هروئین، «روح‌الله ر» به جرم شرکت در اقدام علیه امنیت داخلی از طریق خرید، نگهداری، حمل، فروش و توزیع ۴۸۰۰ کیلوگرم تریاک و ۱۵۰ کیلوگرم مرفین، «فرهاد ک» به جرم خرید، نگهداری و فروش ۵۸۰ کیلوگرم تریاک، «احمد خ»، «محمد گ» و «محمد ر» به جرم مشارکت در باند قاچاق مواد مخدر و حمل ۲۳۱۷ کیلوگرم تریاک با آرای محاکم انقلاب اسلامی کرمان به مجازات اعدام محکوم شده بودند. روابط عمومی دادگستری استان کرمان اعلام کرد پس از تایید احکام این متهمان در دادستانی کل کشور و مخالفت با درخواست عفو آنان در کمیسیون عفو استان، حکم اعدام در زندان مرکزی کرمان به مرحله اجرا درآمد.

ورود مواد سمی به رودخانه دانوب جان چهار مجاری را گرفت

گروه حوادث: شمار تلفات سیلاب قرمز در مجارستان به چهار نفر رسید. علت قرمز بودن این سیلاب ورود مواد سمی یک پالایشگاه مواد صنعتی به داخل رودخانه دانوب اعلام شده است. به گزارش آسوشیتدپرس در پی وقوع این سیلاب قرمز و سمی، تعداد زیادی هم دچار سوختگی در نواحی مختلف بدن شده‌اند. این ماده قرمز که آب آلوده ناشی از پالایش آلومینیوم است، به شدت سنگین بوده و علاوه بر ایجاد مسمومیت و سوختگی، بسیاری از درختان و چمنزارهای اطراف رودخانه دانوب را هم سوزانده است. بر اساس اعلام دپارتمان حوادث غیرمترقبه مجارستان همزمان شدن طغیان رودخانه دو هزار و ۸۵۶ کیلومتری «دانوب» با ورود مواد سمی به آن تاکنون صدها تن گل و لای را به داخل شهرها و مناطق همجوار منتقل کرده است.

هواکش‌های تونل توحید جان یک موتورسوار را گرفت

گروه حوادث: باد ناشی از هواکش‌های تونل «توحید» جان یک موتورسوار را گرفت و یک تن دیگر را راهی بیمارستان کرد. حسن عباسی مدیر روابط عمومی اورژانس تهران با اعلام اینکه امدادگران اورژانس تهران در ساعت ۲۳:۱۷ سه‌شنبه از طریق تماس‌های مردمی با سامانه «۱۱۵» در جریان تصادف دو موتورسیکلت‌سوار در تونل توحید قرار گرفتند، گفت: امدادگران پس از حضور در محل مشاهده کردند این حادثه در اواسط تونل توحید در خط شرق به غرب رخ داده است. وی ادامه داد: یکی از موتورسیکلت‌ها به دلیل باد ناشی از هواکش‌های تونل تعادل خود را از دست داده و با موتورسیکلت دیگری برخورد کرده بود که این حادثه سبب کشته شدن یک تن و مجروح شدن یک تن دیگر شد. مدیر روابط عمومی اورژانس تهران افزود: امدادگران اورژانس مصدوم ۳۸ساله را به بیمارستان امام خمینی (ره) منتقل کردند.

سه نفتکش در آتش سوخت

سه دستگاه نفتکش عراقی در محور مهاباد - میاندوآب بر اثر بی‌احتیاطی یکی از رانندگان دچار حریق شدند. به گزارش واحد مرکزی خبر این نفتکش‌ها که با ۹۰ هزار لیتر فرآورده‌های نفتی از عراق به مقصد افغانستان در حرکت بودند پیش از ظهر دیروز در کیلومتر ۲۰ جاده مهاباد - میاندوآب در سه‌راهی ترشکان دچار حریق شدند. بر اثر این حادثه، رانندگان نفتکش‌ها دچار سوختگی شدید شدند که یکی از آنها به بیمارستان ارومیه اعزام شد و دو راننده دیگر به بیمارستان مهاباد انتقال یافتند. پس از سه ساعت با تلاش ماموران آتش‌نشانی شهرهای مهاباد، میاندوآب و نقده و امدادگران هلال‌احمر مهاباد و میاندوآب، آتش مهار شد. علت حادثه، بی‌احتیاطی رانندگان در روشن کردن گاز پیک‌نیک در نزدیک مخزن سوخت یکی از نفتکش‌ها و آتش گرفتن محتویات آن اعلام شده است.

ازدواج دختر، مادر را به کشتن داد

دختری که با اطلاع مادرش قصد داشت با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج کند خود را راهی بیمارستان و مادر را راهی قبرستان کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس به نقل از پایگاه خبری «پاک‌تریبون» تعصبات پدر یک خانواده پاکستانی مقیم ایتالیا به خاطر ازدواج دختر خانواده با مرد مورد علاقه‌اش منجر به این قتل شد. دختر این خانواده با اطلاع مادرش قرار بود ازدواج کند اما وقتی پدر و برادر ۱۹ساله‌اش از این موضوع مطلع شدند به جان آنها افتادند و در نهایت پدر خانواده مادر را در حیاط منزل با آجر مورد ضرب و جرح قرار داد و او را کشت. این در حالی بود که همان موقع برادر ۱۹ساله با عصا به جان خواهر ۲۰ساله‌اش افتاد و او را به شدت مجروح کرد. پلیس با اطلاع همسایه‌ها در این ماجرا مداخله و پدر و پسر را بازداشت کرد.

زن جوان در دادگاه به کشتن فرزند خواهرشوهرش اعتراف کرد

قتل دختر پنج‌ساله به خاطر هراس از آینده

گروه حوادث: هراس از آینده انگیزه‌ای است که یک زن در جلسه محاکمه‌اش مدعی شد به خاطر آن کودک پنج‌ساله خواهرشوهرش را به قتل رسانده است.

به گزارش خبرنگار ما این زن آذر سال گذشته در پی قتل دختر خواهرشوهرش به نام ساناز بازداشت شد و همان زمان گفت تقاضای بخشش ندارد و می‌خواهد هر چه زودتر قصاص شود.

در ابتدای جلسه محاکمه این متهم که صبح دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، ذبیح‌زاده نماینده دادستان تهران در برابر قضات قرار گرفت و درباره کیفرخواست گفت: ۱۶ آذر سال گذشته به ماموران آتش‌نشانی خبر دادند خانه‌ای در تهران دچار حریق شده است و دختربچه و زنی جوان در آن گرفتار شده‌اند. زمانی که امدادگران حریق را مهار کردند جسد دخترکی پنج‌ساله به نام ساناز در خانه پیدا شد. این دختر دچار سوختگی شده و حدس‌های اولیه حاکی از آن بود که او در دود آتش خفه شده است، البته سهیلا زن‌دایی او از این آتش‌سوزی جان سالم به در برد.

نماینده دادستان ادامه داد: «جسد به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات در این خصوص آغاز شد. پس از اعلام نظریه سازمان آتش‌نشانی که بر عمدی بودن حریق دلالت داشت، این نکته که پدر و مادر ساناز با هم اختلافاتی داشتند، توجه ماموران را جلب کرد. مادر ساناز به پلیس گفت من و شوهرم جدا از هم زندگی می‌کردیم و با هم اختلاف داشتیم. من هم برای تامین هزینه‌های زندگی‌ام کار می‌کردم و ساناز را پیش مادر یا همسر برادرم می‌گذاشتم و تا بعد از ظهر او را نمی‌دیدم. اختلافات من و شوهرم باعث شده بود او دست به انتقام‌گیری بزند و چند بار به همراه برادرش شیشه‌های خانه مادری‌ام را شکست و حتی یک بار اقدام به آتش زدن خانه کرد. من فکر می‌کنم این آتش‌سوزی هم کار آنها باشد. گفته‌های این زن دلیلی بود تا پلیس پدر و عموی ساناز را مورد بازجویی قرار دهد. آنها اتهام را قبول نکردند و گفتند در زمان آتش‌سوزی در محل نبودند و نمی‌دانند چه اتفاقی افتاده است. ذبیح‌زاده در ادامه به قضات گفت: «در حالی که تحقیق درباره آتش‌سوزی ادامه داشت گزارش پزشکی قانونی نیز در مورد مرگ ساناز اعلام شد. در این گزارش آمده بود دخترک قبل از آتش‌سوزی به دلیل فشار بر عناصر حیاتی گردنش به قتل رسیده است. سهیلا زن‌دایی ساناز تنها کسی بود که در محل حادثه حضور داشت و گفته‌های او می‌توانست در این خصوص به ماموران کمک کند. زمانی که سهیلا مورد بازجویی قرار گرفت حرف‌های ضدونقیضی زد و همین گفته‌ها دلیلی شد تا بازداشت شود. در نهایت سهیلا به قتل ساناز اعتراف کرد و گفت این دختر را هنگامی که در خانه با او تنها بود، با دستانش خفه کرد و بعد برای آنکه ذهن پلیس را منحرف کند در خانه آتش‌سوزی به راه انداخت. نماینده دادستان ادامه داد: با توجه به آنچه در کیفرخواست آمده است و شواهد و دلایلی که به عنوان مدرک ارائه دادم، به عنوان نماینده دادستان تهران تقاضای مجازات سهیلا را با توجه به درخواست اولیای دم دارم.» سپس مادر و پدر ساناز در جایگاه حاضر شدند و برای متهم تقاضای صدور حکم قصاص کردند.

در ادامه سهیلا در جایگاه حاضر شد. وی اتهام قتل را پذیرفت و گفت: آنچه باعث شد من دست به این قتل بزنم، رفتار خانواده خودم و شوهرم بود. قبل از ازدواج خانواده‌ام رفتار خوبی با من نداشتند. آنها مرا تحقیر می‌کردند و چون قبل از رفتن به خانه شوهرم باردار شده بودم، مورد شماتت قرار می‌گرفتم. البته خانواده‌ام مرا در دوران کودکی‌ام هم تحقیر می‌کردند و من فکر می‌کردم رفتن به خانه شوهر راهی برای فرار از این رفتارهاست.

وی ادامه داد: در خانه شوهرم هم روزگار خوبی نداشتم. بعد از اینکه فرزندم به دنیا آمد، روزگارم بدتر شد. خانواده شوهرم مرا مجبور می‌کردند کارهای خانه را انجام بدهم. فرزند خودم را بزرگ و از ساناز هم نگهداری کنم. من این کارها را دوست نداشتم. با این حال از ساناز نگهداری می‌کردم. در روزهایی که من و ساناز با هم بودیم او به من گفته بود پدر و مادرش با او بدرفتاری می‌کنند. او همیشه از زندگی‌اش گله داشت. آنچه در زندگی ساناز می‌گذشت درست مثل کودکی‌های من بود. می‌دانستم با آنچه در زندگی او می‌گذرد سرنوشت خوبی در انتظارش نیست و مثل من بدبخت خواهد شد. برای اینکه او را از این بدبختی نجات دهم تصمیم گرفتم ساناز را بکشم.

سهیلا ادامه داد: وقتی با ساناز تنها بودم، دستانم را روی گلوی او گذاشتم و آنقدر فشار دادم تا فوت شد و بعد هم خانه را آتش زدم. من با این کارم به ساناز کمک کردم. حالا هم از اولیای دم تقاضای بخشش ندارم و از آنها می‌خواهم هرچه زودتر من را اعدام کنند تا از بدبختی که گرفتار آن هستم نجات پیدا کنم.

بعد از پایان گفته‌های سهیلا و وکیل مدافعش هیات قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

انتقام‌گیری اینترنتی خواستگار ناکام از دختر جوان

گروه حوادث: پسر جوانی وقتی از دختر مورد علاقه‌اش جواب رد شنید عکس‌های خصوصی او را در اینترنت منتشر کرد تا وی را به ازدواج وادار کند.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زنی همراه دخترش به دادسرای شیراز رفت و از جوانی به نام افشین به خاطر انتشار تصاویر خصوصی دخترش شکایت کرد. او گفت: این جوان چند ماه قبل به خواستگاری دخترم شیما آمد اما من وقتی درباره او تحقیق کردم فهمیدم نمی‌تواند شوهر خوبی برای دخترم باشد، به همین دلیل با خواسته او مخالفت کردیم. بعد از آن در حالی که این ماجرا کاملاً برای ما تمام شده بود باز هم افشین به خانه‌مان آمد و با سماجت از من خواست با ازدواج او و شیما موافقت کنم اما چون صلاح دخترم را در نظر گرفته بودم باز هم به افشین جواب رد دادم. بعد از آن مزاحمت‌های گاه و بیگاه این جوان برای دخترم ادامه داشت تا اینکه شیما در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاهی واقع در کشور امارات پذیرفته شد و به آنجا رفت. چند ماه از رفتن شیما به امارات گذشته بود که فهمیدم افشین تصاویر خصوصی دخترم را در اینترنت منتشر کرده است.

دختر جوان نیز در حالی که شرایط روحی بدی داشت درباره این ماجرا گفت: من و افشین مدت کوتاهی با یکدیگر رابطه دوستانه داشتیم و بعد از مدتی قرار شد در صورتی که مادرم موافقت کند با یکدیگر ازدواج کنیم. بالاخره افشین به خواستگاری‌ام آمد اما وقتی مادرم درباره او تحقیق کرد گفت او گزینه مناسبی برای ازدواج با من نیست. بنابراین من رابطه‌ام را با افشین قطع کردم و به خواستگاری‌اش جواب رد دادم. از فردای آن روز تماس‌ها و پیامک‌های تهدیدآمیز او شروع شد. افشین می‌گفت اگر با او ازدواج نکنم ممکن است حادثه بدی برایم رخ دهد. در شرایط بدی قرار گرفته بودم و نمی‌دانستم باید در برابر تهدیدهای او چه کنم. هر روز تهدیدهایش او شدیدتر می‌شد تا اینکه یک روز خودکشی کردم. بعد از آن نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد اما وقتی چشم‌هایم را باز کردم روی تخت بیمارستان بودم. روزهای سختی بود اما مدتی بعد در مقطع کارشناسی ارشد در کشور امارات پذیرفته شدم و به آنجا رفتم. فکر می‌کردم اگر مدتی از کشور دور باشم افشین دست از مزاحمت‌هایش برمی‌دارد اما در آنجا هم او برایم ای‌میل‌های تهدیدآمیز می‌فرستاد و اجازه نمی‌داد در آرامش زندگی کنم. افشین در یکی از پیام‌هایش نوشته بود تعداد زیادی عکس خصوصی از من دارد و اگر با او ازدواج نکنم این عکس‌ها را منتشر می‌کند. چند روز بعد از این پیام، مادرم با من تماس گرفت و پاکتی به خانه‌مان فرستاده شد که داخل آن تعداد زیادی از عکس‌های خصوصی‌ام قرار داشت. همان روز افشین پیام دیگری برایم فرستاد و آدرس وبلاگی را به من داد و مدعی شد عکس‌هایم را در آنجا منتشر کرده است. این دختر در حالی که اشک می‌ریخت درباره عکس‌هایش گفت: افشین چند روز قبل از آنکه به خواستگاری‌ام بیاید با توسل به زور مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و از من عکس گرفت. فکر نمی‌کردم کار به جایی برسد که او این تصاویر را در اینترنت منتشر کند.

در پی اظهارات این دختر دستور جلب متهم صادر شد. با وجود اینکه اطلاعات دقیقی درباره محل سکونت افشین وجود نداشت اما ماموران پلیس آگاهی چند روز بعد موفق شدند او را دستگیر کنند. همچنین در بازرسی از مخفیگاه وی تعداد ۱۲۸ حلقه سی‌دی که حاوی تصاویر شاکی بود، کشف شد. افشین که مدعی بود شیما همسرش است در مراحل مختلف بازجویی سعی کرد با اظهارات انحرافی مسیر تحقیقات را منحرف کند اما حرف‌های ضد و نقیضش باعث شد سرانجام وادار شود اتهامش را بپذیرد.

با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه انقلاب شیراز ارسال شد و چند روز قبل افشین به اتهام ارسال پیامک و ای‌میل‌های تهدیدآمیز و پخش تصاویر خصوصی پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه متهم در دفاع از خودش گفت: سال گذشته در حالی که به کوه رفته بودم با شیما آشنا شدم و مدتی با او دوست بودم اما وقتی به خواستگاری‌اش رفتم خانواده او با ازدواج ما مخالفت کردند. من که از برخورد آنها ضربه روحی شدیدی خورده بودم، تصمیم گرفتم از او و خانواده‌اش انتقام بگیرم. به همین دلیل یک وبلاگ طراحی کردم و عکس‌هایی را که از شیما داشتم در آنجا گذاشتم تا او را وادار کنم با من ازدواج کند.

با اتمام دفاعیات متهم قاضی او را به تحمل ۱۵۰ روز حبس، یک سال محرومیت از حقوق اجتماعی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

در جریان تحقیق درباره سرقت یک گوشی تلفن همراه فاش شد

زورگیری سه معتاد از فروشنده مواد مخدر

گروه حوادث: تحقیقات پلیس در خصوص سرقت یک گوشی تلفن همراه به دستگیری یک فروشنده مواد مخدر و اعضای باند زورگیری انجامید.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل جوانی سراسیمه خود را به کلانتری مهرآباد رساند و از سرقت گوشی همراهش توسط یک قاچاقچی خبر داد. او به افسر نگهبان کلانتری گفت: ساعتی قبل از خیابان سی متری جی می‌گذشتم که فردی به نام «مهدی» که از فروشندگان معروف مواد مخدر منطقه است راهم را سد کرد. او با تهدید چاقو مرا کنار دیوار کشید و سپس گوشی تلفن همراهم را به زور از من گرفت و فرار کرد. او پیش از فرار گفت اگر به پلیس خبر بدهم باز هم سراغم می‌آید و معلوم نیست این بار چه بلایی سرم می‌آورد.

به دنبال این شکایت پرونده به دادسرای ناحیه ۲۷ ارجاع شد و عموزاد دادیار شعبه دادسرای ناحیه ۲۷ تهران به کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی دستور داد در این باره تحقیق کنند. چون متهم از خلافکارهای بنام منطقه بود شناسایی مخفیگاه وی مدت زیادی طول نکشید و چند روز بعد از آغاز ماموریت وی دستگیر و به پایگاه پنجم پلیس آگاهی منتقل شد.

این مرد هنگامی که تحت بازجویی قرار گرفت اتهام زورگیری گوشی تلفن همراه را پذیرفت اما گفت چند دقیقه بعد از این سرقت سه نفر دیگر گوشی را از او دزدیدند. او در این باره گفت: بعد از سرقت گوشی تلفن همراه ناگهان سه نفر از بچه‌های محل که مشتری‌ام هستند و از من شیشه می‌خرند با یک دستگاه تاکسی سمند زردرنگ سر رسیدند و یکی از آنها به نام مرتضی با استفاده از شوکر برقی من را زمینگیر کرد و گوشی تلفن همراهی را که دزدیده بودم، گرفت و همراه دو نفر دیگر به اسامی «فرزاد» و «رسول» فرار کرد.

تحقیق افسران پلیس در این باره از صحت ادعای مهدی حکایت داشت. به همین دلیل دستگیری سه متهم جدید پرونده در دستور کار قرار گرفت. در جریان بررسی‌های پلیس یکی از متهمان به نام «فرزاد» در منطقه فلاح دستگیر شد و در ادامه دو متهم دیگر به نام‌های «مرتضی» و «رسول» نیز در منطقه ۳۰ متری جی بازداشت و به پایگاه پلیس آگاهی منتقل شدند.

سه متهم جدید در بازجویی‌های مقدماتی به زورگیری از متهم اول اقرار و انگیزه‌شان را از این کار تامین ماده مخدر شیشه اعلام کردند. یکی از دستگیرشدگان به نام فرزاد که ۲۴ سال دارد و پیش از این چهار مرتبه به خاطر نزاع و درگیری دستگیر و زندانی شده است به ماموران گفت: حدود یک سال قبل با دوستانم به شمال کشور رفته بودم که در آنجا یکی از دوستانم به من شیشه تعارف کرد و من هم از آنجا مصرف شیشه را شروع کردم و معتاد شدم. خانواده‌ام از وضعیت من ناراضی بودند و اعتراض می‌کردند اما همین رفتارشان کافی بود تا با آنها درگیر و از خانه خارج شوم. وقتی از خانه بیرون می‌آمدم چون جای خاصی نداشتم هر کجا که می‌شد، مشغول مصرف مواد می‌شدم. اعتیاد زندگی‌ام را تباه کرد. حدود یک سال پیش نامزد کردم اما حالا همه چیز به هم ریخته است. این متهم درباره سرقت گوشی گفت: بعد از سرقت، گوشی را به مبلغ ۷۰ هزار تومان به یک مالخر فروختیم و تمام پول‌ها را خرج مواد کردیم.

مرتضی متهم دیگر پرونده نیز با گردن گرفتن اتهامش گفت: یک سال پیش مغازه موتورسازی داشتم و درآمدم آنقدر زیاد بود که حتی در مخارج خانه به پدر و مادرم کمک می‌کردم. یک روز، یکی از بچه‌های محله که موتورسیکلتش را برای تعمیر نزد من آورده بود در ازای تعمیر موتورسیکلتش مقداری شیشه به من داد و از آن زمان به بعد بود که به مصرف شیشه اعتیاد پیدا کردم. اعتیاد باعث شد دیگر نتوانم مثل سابق کار کنم. به همین دلیل مغازه را تحویل دادم و مدتی را با پول رهن مغازه گذراندم اما خرج تامین مواد و بی‌پولی باعث شد دست به سرقت بزنم.

وی همچنین درباره سرقت گوشی تلفن همراه گفت: من همراه فرزاد و رسول داخل خودرو نشسته بودیم که ناگهان مهدی را در حال زورگیری گوشی تلفن همراه دیدیم. هر سه نفر شیشه کشیده بودیم و وضعیت طبیعی نداشتیم. در این شرایط ناگهان فرزاد به من پیشنهاد کرد با شوکری که چند روز پیش خریده بودم تلفن همراه سرقتی را از مهدی بگیرم. من هم این کار را انجام دادم و مطمئن بودم چون خود مهدی هم زورگیر و سارق است از ما شکایت نمی‌کند.

سرهنگ علی‌اکبر اسدی رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران، با اعلام اینکه تاکسی‌ای که متهمان از آن استفاده کرده بودند متعلق به پدر یکی از آنهاست، گفت: هم‌اکنون تحقیقات در خصوص شناسایی دیگر جرائم ارتکابی متهمان ادامه دارد و از افرادی که در مناطق «جنوب» و «جنوب غرب» تهران اموال‌شان توسط سرنشینان یک دستگاه تاکسی سمند زردرنگ و احتمالاً با تهدید شوکر برقی زورگیری شده، دعوت می‌شود برای طرح شکایت به پایگاه پنجم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

بدون مرز

اسکلت میلیون یورویی

اسکلت کامل یک دایناسور در حراجی‌ای در فرانسه به قیمت یک میلیون و ۳۰۰ هزار یورو فروخته شد. به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از شبکه تلویزیونی فرانس۲۴ در این حراجی که در پاریس برگزار شد اسکلت دایناسورها و فسیل‌های متعلق به چندین میلیون سال قبل به نمایش گذاشته شد. باارزش‌ترین بخش این حراجی، اسکلت کامل دایناسوری بود که قبلاً هرگز در حراجی عمومی در معرض فروش قرار نگرفته بود. فردی که خواست نامش فاش نشود این اسکلت را به قیمت یک میلیون و ۳۰۰ هزار یورو خریداری کرد.

رکورد آتشفشانی

یک گروه فیلمبردای با هدایت آتشفشان‌شناس نیوزیلندی موفق شد به عمق ۴۰۰ متری یک آتشفشان فعال برود و رکوردی را به نام خود به ثبت برساند. به گزارش ایسنا، «جئوف مک‌لی» آتشفشان‌شناس اهل «کیوی» نیوزیلند گفت: ما موفق شدیم با ورود به منطقه آتشفشانی و رخنه به عمق ۴۰۰ متری آتشفشان فعال «ماروم» در جنوب اقیانوس آرام رکورد جدیدی را به نام خود به ثبت برسانیم. همچنین این گروه فیلمبرداری نیوزیلندی موفق شد از فوران گدازه‌ها و بخارهای این آتشفشان تصاویری را تهیه کند که در نوع خود بی‌نظیر است.

نجات معجزه‌آسا

گروه حوادث: یک زن برزیلی در حادثه برخورد یک خودرو به وی به شکل عجیبی زنده ماند و فقط دچار جراحات جزیی شد. به گزارش شبکه تلویزیونی اسکای‌نیوز این زن برزیلی در شهر بلیم در کنار خیابان در حرکت بود که ناگهان خودرویی با سرعت زیاد به وی برخورد و او را به هوا پرتاب کرد و محکم بر زمین کوبید اما این زن به شکل معجزه‌آسایی بعد از این حادثه شدید فقط دچار جراحات جزیی شد. راننده خودرو بعد از وقوع حادثه توقف کرد تا به زن ۴۴ساله کمک کند اما با نهایت تعجب مشاهده کرد این زن سالم است.

ساخت مجسمه با کتاب‌های قدیمی

گروه حوادث: ترغیب مردم به کتابخوانی هدفی است که باعث شده گروهی در ایالت کارولینای جنوبی برای ساخت مجسمه با کتاب‌های کهنه دست به کار شوند. به گزارش سی‌ان‌ان، در این طرح از ۱۵ هزار کتاب کهنه برای ساخت مجسمه استفاده شده است. کارل اسمیت هنرمند امریکایی در این زمینه می‌گوید این کار برای جلب توجه به مطالعه انجام شده است. به گفته مسوولان، این طرح موجب می‌شود داوطلبان در ساخت مجسمه به داخل کتاب‌های قدیمی نگاهی کنند. قرار است طول این مجسمه‌ها شش متر باشد. این مجسمه‌ها از روز یکشنبه آینده در تالار شهرداری گیلراد به نمایش گذاشته می‌شود.

سودوکو شماره۶۱

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

9								
	3		2				7	
8		2			7			
		9	4					1
3		4		1		7		8
2					5	6		
			8			3		5
	6				3		4	
								9

حل سودوکو شماره۶۰

4	2	8	7	9	1	3	5	6
7	5	3	8	4	6	9	1	2
9	6	1	5	3	2	7	8	4
5	7	2	4	1	9	8	6	3
3	4	9	2	6	8	1	7	5
1	8	6	3	5	7	4	2	9
8	3	4	6	7	5	2	9	1
2	1	5	9	8	3	6	4	7
6	9	7	1	2	4	5	3	8

جدول شماره ۱۰۵۳

افقی

۱- وسیله خودکار برای تنظیم دما- درمان همراه با دوخت و دوز بدن ۲- واحد پول چین- ضد کسی- قسمتی از ستون فقرات ۳- از نام‌های قرآن مجید- همسایه بیدگل- حیوانی با پوست قیمتی ۴- پایتخت انگلستان کنار رود تایمز- اشعه مجهول- تخته هالتر ۵- باران ریزه- بادی که گرد و خاک بلند کند- فلاسفه‌ای که درباره مسائل ماوراءالطبیعه اظهارنظر نمی‌کنند ۶- اسب چاپار- خطوط باریک که با آن تصاویر را به شکل سایه روشن نشان می‌دهند- بی‌باک، شجاع ۷- مخترع باتری- شهری زیارتی- از الفبای فارسی ۸- انگشت اشاره – از لوازم آرایش ۹- فن- اولین کلمه قرآن مجید- بچه که تازه راه برود ۱۰- ناودان- از رگ‌های مهم بدن- بریدن شاخه‌های اضافه درخت ۱۱- از جزایر مهم استرالیا- همبازی هاردی- پسوند شباهت ۱۲- از هم پاشیده- در شکم پیدایش کنید- ویرایش ۱۳- زبان کوچک- نوعی بازی برای سنجش مهارت در هدف‌گیری- سیاه ۱۴- خاطر- نابکار، حیله‌گر- بی‌آبرو، ضایع ۱۵- خاستگاه مافیا در ایتالیا- کم‌اطلاع و بی‌تجربه.

عمودی

۱- فلزی زنگ‌نزن و سخت- زاده شده ۲- با رفت همراه است به معنی روبیدن – ثروت و دارایی- از بین بردن ۳- واحد مسافت در ممالک انگلیسی‌زبان- تیم فرانسوی- ننگ و بدنامی ۴- نوعی نان کلفت- عدم وضوح- بی‌مو، کچل ۵- از ادعیه معروف- محل احتکار- ماه سرد ۶- گرمی زیاد خون بدن- ماه یازدهم میلادی- عددی دورقمی ۷- برگه‌های انتخاباتی- ظرف نگهداری نفت- عرصه نبرد ۸- ستاره- کلمه شگفتی- شامه‌نواز- شهر افغانستان ۹- کارگردان امریکایی بن هور- گذرگاه سیل- هشتمین حرف الفبای یونانی ۱۰- رودی در مازندران- آدم سحرخیز را می‌گویند- صدای زنبور ۱۱- صریح‌اللهجه- سیده- گشت ۱۲- دیروز عرب- آبزی باهوش- بازیکن آزاد در والیبال ۱۳- محل سکونت زنان پادشاه- مظهر استواری- عیسوی‌مذهب ۱۴- خلأ- واحد غذا- شهر روشنایی ۱۵- صورت غیرمادی هر یک از مخلوقات- نخستین پایتخت ایران قدیم در عهد هخامنشیان.

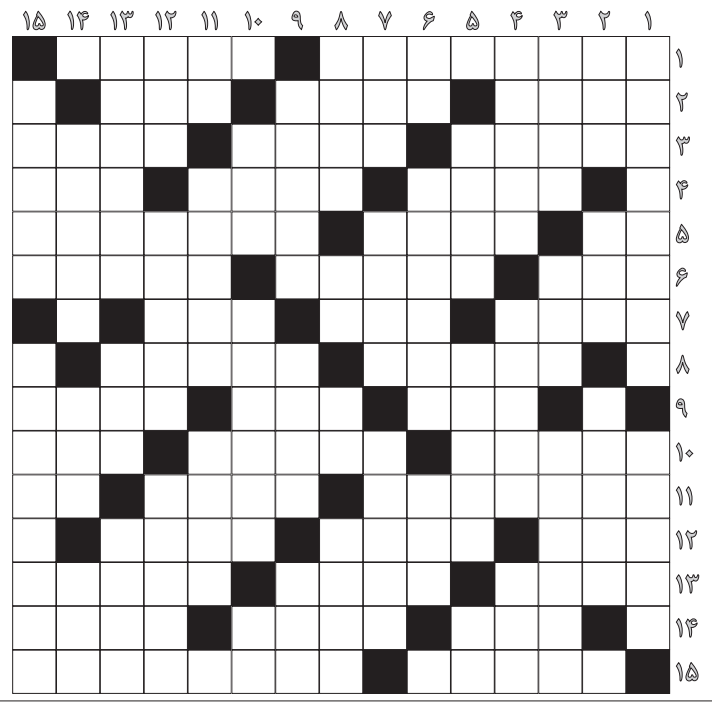
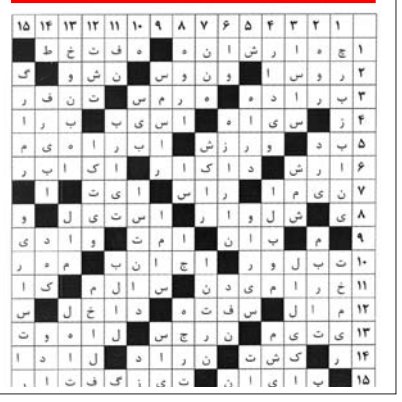
حل جدول شماره ۱۰۵۲